


خانه‌ی درختی خرس‌ها کنار یک جاده‌ی خاکی طلایی‌رنگ وسط
شهر خرس‌ها بود. از دور، خانه‌ی خرس‌ها خیلی تروتمیز و مرتب
به نظر می‌رسید.

باغچه پر از گل‌های لاله‌ی قرمز، زرد و آبی بود.
نرده‌ها، پنجره‌ها، و پله‌ها را تازه رنگ و تعمیر کرده بودند.
چمن‌ها را زده بودند و علف‌های هرز باغچه‌ی سبزیجات را چیده
بودند.

حتی شاخ و برگ اضافی لانه‌ی پرنده‌ها را که روی یکی از
درخت‌ها بود زده و آن را مرتب کرده بودند.





حتی زیرزمین هم مرتب و منظم بود.
(اگر فکر می‌کنید که مرتب نگه داشتن
زیرزمین یک خانه‌ی درختی کار ساده‌ای
است، اشتباه می‌کنید، اصلاً این طور
نیست! حتماً تا حالا این کار را نکرده‌اید!)

توی خانه‌ی درختی هم تمیز و مرتب بود.
همه‌ی تابلوهای روی دیوار صاف بودند.
پیانو گردگیری شده بود.
آشپزخانه هم جمع‌وجور و تروتمیز بود.

بله، خانه‌ی درختی خرس‌ها نمونه‌ی نظم و ترتیب بود.
فقط یک جای خانه ریخت‌وپاش بود...
اتاق خواهرخرسی و برادرخرسی.
خیلی ... شلوغ و پلوغ ... بود!!!

